

خسرو و شیرین

جمال الدین ابو محمد الیاس نظامی گنجوی



ندای معاصر

سر شناسه: نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰-۶۱۴ ق.
عنوان و نام پدیدآور: خسرو و شیرین. نظامی گنجوی.
مشخصات نشر: تهران: ندای معاصر.
مشخصات ظاهری: ۲۷۶ ص. موضوع: شعر فارسی - قرن ۶ ق.
شابک: ۹-۷-۹۸۵۱۳-۶۰۰-۹۷۸.
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
رده بندی کنگره: ب PIR ۵۱۲۸ ۱۳۹۶.
رده بندی دیویی: ۸۱۱/۲۳.
شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۳۵۹۱۰.



خیابان جمهوری - روبروی باغ سپه سالار - شماره ۲۲۸ - تلفن ۳۶۳۱۵۰
مرکز پخش: پخش کتاب بستان - تلفن: ۶۶۹۶۲۸۰۹

خسرو و شیرین

جمال الدین ابو محمد الیاس نظامی گنجوی

نوبت چاپ: اول (۱۳۹۶) / شمارگان ۱۰۰ (یکصد) نسخه

شابک: ۹-۷-۹۸۵۱۳-۶۰۰-۹۷۸

۲۸/۰۰۰ تومان

فهرست

۱۳	دیباچه
۱۵	به نام ایزد بخشاینده
۱۵	در توحید باری
۱۷	در استدلال نظر و توفیق شناخت
۱۹	آمرزش خواستن
۲۱	در نعت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم
۲۲	در سابقه نظم کتاب
۲۳	در ستایش ابوطالب طغرل ارسلان
۲۵	ستایش اتابک اعظم شمس الدین ابوجعفر محمد بن ایلدگر
۲۷	خطاب زمین بوس
۲۹	در مدح شاه مظفرالدین قزل ارسلان
۳۱	حکایت
۳۲	در پژوهش این کتاب
۳۴	سخنی چند در عشق
۳۵	عذرانگیزی در نظم کتاب
۳۸	آغاز داستان خسرو و شیرین
۳۹	صفت بزرگ امید
۴۰	عشرت خسرو در مرغزار و سیاست هرمز
۴۱	شفیع انگیختن خسرو پیران را پیش پدر

- ۴۲ به خواب دیدن خسرو نیای خویش انوشیروان را
- ۴۳ حکایت کردن شاپور از شیرین و شب‌دیز
- ۴۴ وصف جمال شیرین
- ۴۶ صفت شب‌دیز
- ۴۷ رفتن شاپور در ارمن به طلب شیرین
- ۴۸ در نژاد شب‌دیز
- ۴۹ نمودن شاپور صورت خسرو را بار اول
- ۵۱ نمودن شاپور صورت خسرو را بار دوم
- ۵۱ نمودن شاپور صورت خسرو را بار سوم
- ۵۳ پید شدن شابه
- ۵۸ گریختن شیرین از ارد مہین بانو به مداین
- ۶۱ اندام شستن شیرین چه مہ آب
- ۶۱ دیدن خسرو شیرین را از چشم سار
- ۶۷ رسیدن شیرین به مشکوی خسرو در داین
- ۶۸ ترتیب کردن کوشک برای شیرین
- ۷۰ رسیدن خسرو به ارمن نزد مہین بانو
- ۷۱ مجلس بزم خسرو و باز آمدن شاپور
- ۷۳ آگاهی دادن شاپور خسرو را از شیرین
- ۷۴ رفتن شاپور دیگر بار به طلب شیرین
- ۷۷ آگاهی خسرو از مرگ پدر
- ۷۹ بر تخت نشستن خسرو به جای پدر
- ۷۹ باز آوردن شاپور شیرین را پیش مہین بانو
- ۸۰ گریختن خسرو از بہرام چوبین
- ۸۱ به ہم رسیدن خسرو و شیرین در شکارگاه
- ۸۳ اندرز و سوگند دادن مہین بانو شیرین را
- ۸۴ چوگان باختن خسرو با شیرین
- ۸۶ صفت بہار و عیش و خسرو و شیرین
- ۸۸ شیر کشتن خسرو در بزمگاه

خسرو و شیرین

۸۹	افسانه گفتن خسرو و شیرین و شاپور و دختران
۹۱	افسانه سرایی ده دختر
۹۱	افسانه گفتن فرنگیس
۹۱	افسانه گفتن سهیل
۹۱	افسانه گفتن عجب نوش
۹۱	افسانه گفتن فلک ناز
۹۲	افسانه گفتن همیلا
۹۲	افسانه گفتن همایون
۹۲	افسانه گفتن سمن ترک
۹۲	افسانه گفتن یزاد
۹۲	افسانه گفتن خبر ناتوان
۹۲	افسانه گفتن گوهر ملذ
۹۲	افسانه گفتن شاپور
۹۳	افسانه گفتن شیرین
۹۳	افسانه گفتن خسرو
۹۵	آزردن خسرو از شیرین و رفتن به جانب روم
۹۷	پاسخ شیرین
۹۸	پاسخ دادن خسرو شیرین را
۹۹	پاسخ شیرین خسرو را
۱۰۰	لابه کردن خسرو پیش شیرین
۱۰۱	دمیدن روز
۱۰۳	رفتن خسرو از پیش شیرین
۱۰۵	جنگ خسرو با بهرام و گریختن بهرام
۱۰۷	بر تخت نشستن خسرو به مداین بار دوم
۱۱۰	نالیدن شیرین در جدایی خسرو
۱۱۲	وصیت کردن مهین بانو شیرین را
۱۱۴	نشستن شیرین به پادشاهی
۱۱۶	آمدن شیرین به مداین

۱۱۶	آگهی خسرو از مرگ بهرام چوبین
۱۲۰	بزم آراییی خسرو
۱۲۰	سی لحن بارید
۱۲۴	شفاعت کردن خسرو پیش مریم از شیرین
۱۲۵	فرستادن خسرو شاپور را به طلب شیرین
۱۲۶	عتاب کردن شیرین به شاپور
۱۳۳	آغاز عشق فرهاد
۱۳۶	آمدن شیرین به تماشای فرهاد
۱۳۷	نای کردن فرهاد از عشق شیرین
۱۴۰	آگهی یافتن خسرو از عشق فرهاد
۱۴۱	رای زدن خسرو در فرهاد
۱۴۱	طلب کردن خسرو فرهاد
۱۴۲	مناظره خسرو با فرهاد
۱۴۴	کوه کندن فرهاد و زاری
۱۵۰	رفتن شیرین به کوه بیستون و بقا شدن اسب ری
۱۵۱	آگاهی خسرو از رفتن شیرین نزد فرهاد
۱۵۵	تعزیت نامه خسرو به شیرین از راه طنز
۱۵۸	مردن مریم
۱۵۸	تعزیت نامه شیرین به خسرو در مرگ
۱۵۸	مریم از راه باد افراه
۱۶۱	رسیدن نامه شیرین به خسرو
۱۶۱	صفت داد و دهش خسرو
۱۶۲	به می نشستن خسرو بر تخت طاق‌دیزی
۱۶۴	شنیدن خسرو اوصاف شکر اسپهانی را
۱۶۵	رفتن خسرو به اصفهان در تمتای شکر
۱۶۸	تفحص خسرو در کار شکر و خواستاری او
۱۷۱	تنها ماندن شیرین و زاری کردن وی
۱۷۳	ستایش صبحگاه

خسرو و شیرین

۱۷۴	نیایش کردن شیرین با یزدان پاک
۱۷۵	رفتن خسرو سوی قصر شیرین به بهانه شکار
۱۸۰	دیدن خسرو شیرین را و سخن گفتن با شیرین
۲۰۲	بازگشت خسرو از قصر شیرین
۲۰۴	پاسخ شاپور به خسرو
۲۰۶	یشیمان شدن شیرین از رفتن خسرو
۲۰۸	خواب دیدن خسرو و تعبیر شاپور
۲۰۸	مجلس آراستن خسرو در شکارگاه
۲۱۱	غزل گفتن نکبسا از زبان شیرین
۲۱۲	سرود گفتن باربد از زبان خسرو
۲۱۳	سرود گفتن نکبسا از زبان شیرین
۲۱۴	سرود گفتن باربد از زبان خسرو
۲۱۶	سرود گفتن نکبسا از زبان شیرین
۲۱۷	غزل گفتن باربد از زبان خسرو
۲۱۸	سرود گفتن نکبسا از زبان شیرین
۲۲۰	سرود گفتن باربد از زبان خسرو
۲۲۲	بیرون آمدن شیرین از خرگاه
۲۲۴	آوردن خسرو شیرین را از قصر به مداین
۲۲۶	زفاف خسرو و شیرین
۲۳۲	اندرز شیرین خسرو را در داد و دانش
۲۳۳	سؤال جواب خسرو با بزرگ امید
۲۳۳	اولین جنبش
۲۳۴	چگونگی فلک
۲۳۴	اجرام کواکب
۲۳۴	مبدأ و معاد
۲۳۴	گذشتن از جهان
۲۳۵	در بقای جان
۲۳۵	در چگونگی دیدار کالبد در خواب

- ۲۳۵ در یاد کردن دورۀ زندگی پس از مرگ
- ۲۳۵ چگونگی زمین و هوا
- ۲۳۶ در پاس تندرستی از راه اعتدال
- ۲۳۶ چگونگی رفتن جان از جسم
- ۲۳۶ تمثیل موبد اول
- ۲۳۶ تمثیل موبد دوم
- ۲۳۷ تمثیل موبد سوم
- ۲۳۷ تمثیل موبد چهارم
- ۲۳۷ دیبوت پیغمبر اکرم
- ۲۳۸ گفتن چهل قصه: کلیله و دمنه با چهل نکته
- ۲۳۸ ۱. گاو شریبه و شارب
- ۲۳۸ ۲. نجاری بورینه
- ۲۳۸ ۳. روباه و طبل
- ۲۳۸ ۴. زاهد ممسک خرقه بد دزد بدخته
- ۲۳۸ ۵. زاغ و مار
- ۲۳۸ ۶. مرغ ماهیخوار و خرچنگ
- ۲۳۹ ۷. خرگوش و شیر
- ۲۳۹ ۸. سه ماهی ورستن یکی از شست
- ۲۳۹ ۹. سازش شغال و گرگ و زاغ بر کشتن شتر
- ۲۳۹ ۱۰. طبطوی با موج دریا
- ۲۳۹ ۱۱. بط و سنگ پشت
- ۲۳۹ ۱۲. مرغ و کبی و کرم شیتاب
- ۲۳۹ ۱۳. بازرگان دانا و بازرگان نادان
- ۲۳۹ ۱۴. غوک و مار و راسو
- ۲۳۹ ۱۵. موش آهنخوار و باز کودک بر
- ۲۳۹ ۱۶. زن و نقاش چادرسوز
- ۲۴۰ ۱۷. طبیب نادان که دارو را با زهر آمیخت
- ۲۴۰ ۱۸. کبوتر مطوقه و رهانیدن کبوتران از دام

۱۹. هم عهدی زاع و موش و آهو و سنگپشت ۲۴۰
۲۰. موش و زاهد و یافتن زر ۲۴۰
۲۱. گرگی که از خوردن زه کمان جان داد ۲۴۰
۲۲. زاع و بوم ۲۴۰
۲۳. راندن خرگوش پیلان را از چشمه آب ۲۴۰
۲۴. گربه روزه‌دار با دراج و خرگوش ۲۴۰
۲۵. ربیدن دزد گوسفند زاهد را به نام سگ ۲۴۰
۲۶. شیر وین و دزد ۲۴۰
۲۷. دزد و زاهد ۲۴۱
۲۸. زن و بخار و پدر زر ۲۴۱
۲۹. برگزیدن دشت موش و موش را ۲۴۱
۳۰. بوزینه و سنگپشت ۲۴۱
۳۱. فریفتن روباه خرا و به شیر سرین ۲۴۱
۳۲. زاهد نسیه اندیش و کوزه شهر و روشن ۲۴۱
۳۳. کشتن زاهد راسوی امین را ۲۴۱
۳۴. کشتن کبوتر نر کبوتر ماده را ۲۴۱
۳۵. بریدن موش دام گربه را ۲۴۱
۳۶. قبره با شاه و شاهزاده ۲۴۱
۳۷. شغال زاهد و سعایت جانوارن پیش شیر ۲۴۲
۳۸. ستیاح و زرگر و مار ۲۴۲
۳۹. چهار بیجه بازگان و برزگر و شاهزاده و توانگر ۲۴۲
۴۰. رفتن شیر به شکار و شکار شدن بیجه‌های او ۲۴۲
- حکمت و اندرز سرایی حکیم نظامی ۲۴۲
- صفت شیرویه و انجام کار خسرو ۲۴۳
- نشستن خسرو به آتشیخانه ۲۴۴
- کشتن شیرویه خسرو را ۲۴۶
- تمثیل ۲۴۷
- بیدار شدن شیرین ۲۴۸

- ۲۴۸ خواستگاری شیرویه شیرین را
- ۲۴۹ جان دادن شیرین در دخمه خسرو
- ۲۵۱ نکوهش جهان
- ۲۵۳ در موعظه
- ۲۵۴ نتیجه افسانه خسرو و شیرین
- ۲۵۴ در نصیحت فرزند خود، محمد، گوید:
- ۲۵۵ در خواب دیدن خسرو، پیغمبر اکرم را
- ۲۵۷ نامه بشتن پیغمبر به خسرو
- ۲۶۰ معراج پیغمبر
- ۲۶۲ اندرز و ختم کتاب
- ۲۶۵ نکوهش خودان
- ۲۶۶ طلب کردن قزل شاه کیم نظامی را
- ۲۷۱ تأسف بر مرگ شمس الدین محمد جهان پهلوان

دیاچه

از زندگی نظامی آنچه می‌دانیم براساس سروده‌های خود اوست. از لابه‌لای اشعار او در پنج گنجی که به «خمس» معروف است، به پاره‌ای از ماجراهای زندگی او می‌توان پی برد. با این همه، دقیقاً نمی‌دانیم کی زاده شده و کی به رحمت حق پیوسته است. سخن تذکره‌نویسان و تاریخ ادبیات‌دانان و مورخان متفاوت و مغشوش و متلود است.

تولدش را بین ۵۳۰ تا ۵۴۰ هجری دانسته‌اند و مرگش را بین ۵۹۸ تا ۶۱۹ بیان شده است. اما تاریخ سروده‌هایش - بدان سبب که خود بدان‌ها تاریخ دارد - روشن‌تر از بقیه‌ی تاریخ‌های ضروری و دانستنی حیات اوست.

نامش الیاس است، فرزند یوسف فرزند زکی یا زکی مؤید، بدین نام نامش رئیس و نام دایش خواجه عمر است. نام فرزندش محمد است. سه زن اختیار کرده و هر سه را از او مرده‌اند. گفته‌اند که نام نخستین همسرش که کنیزکی قبیجاقی بوده و در داستان خسرو و شیرین از او یاد کرده «آفاق» است.

باید نام دیگر همسرانش را هم ذکر می‌کرد. اگر نسبت به آنان عشقی نداشت از مرگشان غمگین نبود. عنوان عروس بر آن‌ها نمی‌نهاد و از داغشان ناله سر نمی‌داد.

محمد، فرزند نظامی، از همسر اولش بوده است و تا روزگار جوانی او، و حتی در دربار ملک عزالدین، همراه با کتاب اقبالنامه او را می‌بینیم، و این در حالی است که نظامی دوران کهنولت را می‌گذراند و شاید بی‌همسر است.

زادگاهش «گنجه» بوده است. احتمال این که اجداد او از نواحی قم بوده باشند، هست. تصور نمی‌رود که در گنجه ساکن بوده و جز سفری کوتاه تا سی فرسنگی گنجه به جایی دیگر نرفته است.

حکیم است و زاهد و پای‌بند شریعت. چنان‌که بزرگانی همچون قزل‌ارسلان وقتی او را به سی‌فرسنگی گنجه دعوت می‌کند و نظامی بدان جا می‌رود، پادشاه به محض شنیدن خبر ورود نظامی، بساط عیش و طرب را جمع می‌کند و محیط را پاکسازی می‌کند و نظامی را به صدر مصطبه می‌نشاند.

همه‌ی این‌ها برگرفته از شعر اوست.

آثارش عبارت است از: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر، اسکندرنامه (شامل شرفنامه و اقبالنامه) این مجموعه «خمس» نام گرفته است. جز این‌ها دیوان شعر هم دارد شامی پاره‌ای از قالب‌های شعریست.

نظامی، شاعر بلندآوازه‌ی جهان ادب ایران‌زمین، بی‌تردید از ستارگان درخشانی است که زبان و فرهنگ این زمین را به گونه‌ای استادانه بارور ساخته است. مرحوم حسن وحید دستگردی، فرزانه‌ای که خود از سیفتگان نظامی بود، سال‌های بسیاری از عمر پربار خود را در معرفی و چاپ آثار نظامی صرف کرده و به حق می‌توان گفت که گنجینه‌ای نفیس از نظم نظامی ارمغان ادب‌دوستان این سرزمین کرده است.

تحقیق دقیق در زندگی نظامی و گارش زندگینامه‌ی مفصل و مشروح و مبسوط او بر کلیات نظامی، ما را از بیان دوباره و اصل‌ن دلام زمینه‌ی ارد.